

نوم خلق روایت جت پلاس

دومین دوره لیگ جت جوانان خراسان رضوی

نام شهر: کنگر
 نام مجموعه (مدرسه، تشکل محله ای، حوزه علمیه): مدرسه قائمیه
 نام مربی: خامنصرین جنتی
 نام تیم: رهروان انقلاب
 نام اعضای تیم: مهدیس اسماعیل، زینب البر، ستایش بیعرب
 شماره ثبت: ۲۰۱۳

مفهوم

مقابله با روایت دشمن که به دنبال ایجاد تصویری است که ایران و نوجوان ایرانی له
 ویران هست و له ویران خواهد شد
 هدف: ایضا من عاصمه روایت کنیم
 پیام: علی رغم تمام محدودیت ها و دشمنی ها، ایران در عرصه های مادی و معنوی پیشرفت
 کرده است.
 مخاطبین: مقامین: پیشرفت مادی، پیشرفت علمی، پیشرفت نظامی، پیشرفت معنوی و ...
 مقامین: پیشرفت معنوی، لوح دولتی، امنیت، تکلیف خانواده، دیپلماسی و ...

مخاطب (۵ امتیاز) سوره (۵ امتیاز)

کلیف و انقلاب سوره: اشاره به ویرانی من انجامیم روایت کنیم؟ شرح دهید
 حادثه ی تروریستی کرمان
 مخاطب هدف: چه کسانی مخاطب هدف روایت هستند؟ مخاطب هدف را توصیف نمایید
 عموم مردم

روش (۱۰ امتیاز)

رویداد: مشخصات زمان و مکان خلق روایت را شرح دهید
 زمان: ۱۳ دی ماه ۱۴۰۲
 مکان: کرمان
 موقعیت: سزار شهید حاج قاسم سلیمانی
 قالب روایت: یکی از چهار قالب اول تا انقلاب نامیده
 متن کوتاه صوت (پادکست)
 عکس نوشته کلیپ
 توزیع و انتشار: کتاب های توزیع و پخش انتشار روایت خود را شرح دهید
 فضای مجازی
 فضای مجازی

خرده روایت (۲۰ امتیاز)

شرح و پرداخت روایت: شامل زاویه دید، شخصیات، پرداختن به جزئیات، شخصیت پردازی و ... شرح کامل دهید
 من امیرعلی ۱۳ ساله به همراه مادر و قداهرم و دو عمه و پسر عمه و دختر عمه در مراسم سالگرد حاج قاسم سلیمانی چون پدرم در سمرزار ایشان موکب داشت رفتم. قهوه از سه تا شروع شد که من بیای بار اول جایبوشیر کا گان رفتم و قبل از انتشار اول به مردم دادم همان موقع عمه هایم و مادرم به موکب آمدند و از سه تا فیز پذیرایی کردم ناگهان هدای مبین به گوش رسید. من که به حین مردم هیچکس در موکب نبود. گوشی را از جیبم در آوردم و به پدرم زنگ زدم که جواب نداد و در بین شلوغی مادرم را پیدا کردم. مادرم و عمه هایم همراهی بودند و به ها گریه می کردند همان موقع پدرم رسید و به من و عمه هایم گفت: زودتر به خانه برگردید. ما به پارکینگ رفتم و سریع مدار ما شین شدیم هنگامی که مادرم با پدرم با تلفن صحبت میکرد انتظار دوم رفع داد. موم سرا گرفت و دیگر چیزی نفهمیدم و در بیمارستان در حالی که پدرم با لباس های مشکلی بالای سرم بود به هوش آمدم و آنجا بود که فهمیدم که مادرم و عمه ها و دفته عمه هایم را از دست دادم و تنها خداست ام در این شرایط

ملاقات بارهبر معظم انقلاب است # ما مانده - از - حادثه ی - تروریستی - کرمان

